

تدبیر منزل (برای سال دوم دبیرستان) (سال ۱۳۲۲ ش)

● اکرم عینی (دکترای کتابداری، رئیس کتابخانه و مرکز اسناد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)

اشاره

بخش آرشپو کتاب‌های درسی کتابخانه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دارای مجموعه کتاب‌های درسی آموزش و پرورش ایران در طی سال‌های گذشته است. این کتب به‌عنوان اسناد ارزشمندی که نشانگر خوبی برای اهداف و محتوای آموزشی در پایه‌های دوره‌های مختلف تحصیلی است و منابع قابل توجهی برای پژوهشگران، محققان حوزه تعلیم و تربیت است لذا همان‌طور که در شماره‌های گذشته بعضی از آن‌ها معرفی گردید در این شماره دو کتاب معرفی می‌شوند اولین کتاب تدبیر منزل برای سال دوم دبیرستان در سال ۱۳۲۲ ش تألیف و به فرآیند آموزش عرضه شده است و دومین کتاب تربیت نسوان است که در سال ۱۲۱۸ ق عرضه شده است در ذیل معرفی می‌شود که مشخص نیست ویژه آموزش در مدارس است یا به‌صورت آزاد در مرکز منابع وجود دارد.

درباره نویسنده

بدرالملوک تکین (بامداد) (۱۲۷۷-۱۳۶۶ ش). روزنامه‌نگار، آموزگار، نویسنده و فعال اجتماعی ایرانی است. بدرالملوک بامداد متولد تهران، دانش‌آموخته دانشسرای عالی در رشته آموزش و پرورش از دانشگاه کلمبیا نیویورک «فوق لیسانس آموزش و پرورش کودکان»، رئیس دانشسرای دختران است. گروه نخست زنانی است که وارد دانشگاه شدند. در سال ۱۲۹۶ به دارالمعلمت رفت و، در سال ۱۳۰۴ به معاونت دارالمعلمت منصوب شد و در سال‌های بعد کتاب‌های متعددی برای مدارس نوشت. او در سال ۱۳۱۴ که دختران اجازه ورود به دانشگاه یافتند وارد دانشسرای عالی شد و خود ۱۱ سال بعد رئیس دانشسرای عالی دختران شد. در پایان جنگ جهانی دوم برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و از دانشگاه کلمبیا فوق لیسانس آموزش و پرورش گرفت. در کارنامه وی مشاور رادیو ایران در بخش راهنمای خانواده‌ها، رئیس کمیسیون حقوقی شورای عالی زنان، از تدوین‌کنندگان قانون حمایت خانواده، عضو مؤسس کانون بانوان،

بنیانگذار دبستان ملی نمونه دخترانه و پسرانه بامداد، مدیر روزنامه «زن امروز»، نویسنده کتاب‌های ویژه دختران و زنان همچون: اخلاق و آداب معاشرت، روانشناس تربیتی، زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا دهه ۵۰ است.

او بنیانگذار چند مدرسه، بود. بدرالملوک بامداد در ۸۹ سالگی در زادگاهش درگذشت. کتاب‌های اخلاق برای دانش‌آموزان سال اول و دوم و سوم متوسطه (۱۳۱۶-۱۳۰۹)؛ تدبیر منزل و دستور بچه‌داری مخصوص محصلات دبیرستان‌های نساوان و خانه‌داران جوان (تهران، ۱۳۱۴-۱۳۱۵)؛ خانه‌داری برای دوره‌های مختلف دبیرستان‌های دختران (منتشر شده در سال‌های متعدد)؛ راهنمای طبخ‌های بهترین خوراک‌های ایرانی و فرنگی (تهران، ۱۳۶۸)؛ روان‌شناسی یا معرفه‌النفس راجع به تعلیم و تربیت مخصوص محصلات دوره دوم مدارس متوسطه نساوان .

اطلاعات کتاب‌شناختی

سرشناسه	بامداد، بدرالملوک، ۱۳۶۶-۱۳۸۴
عنوان و نام پدیدآور	تدبیر منزل برای دوره دبیرستان‌ها/ نگارش بدرالملوک بامداد.
مشخصات نشر	[تهران]، چاپخانه سیروس، ۱۳۲۲
مشخصات ظاهری	۲۸۶



صفحه	فهرست مطالب کلی کتاب
۲	مقام و اهمیت زن در خانواده
۱۱	تقسیم علم خانه‌داری
۱۲	صفات بانوی خانه‌دار
۲۹	درآمد و هزینه‌خانه
۳۷	پاکیزگی
۴۲	لباس
۱۱۳	تمیز کردن خانه
۲۲۲	تهیه غذا
۲۳۷	طبخ
۲۷۰	دستور غذای روزانه
۲۸۶	چیدن میز

موضوع و محتوای کتاب نشان‌دهنده ترجمه‌ای از کتاب‌های خارجی است و با فرهنگ ایرانی اسلامی آن زمان مطابق نیست. نگاهی به فهرست و محتوای کتاب نشان می‌دهد احتمالاً به دلیل دانش‌آموختگی نویسنده از دانشگاه کلمبیای آمریکا این مطالب برگرفته از فرهنگ جامعه آمریکا نگارش شده است.

تربیت نسوان

● فرشته ذوالجناحی (کارشناس ارشد رشته کتابداری و اسناد)

اشاره

تربیت نسوان کتابی است با قطع وزیری و جلد گالینگور که در سال ۱۳۱۸ ه. ق. مطابق با ۱۹۰۰ م. به چاپ رسیده است. جلد کتاب ساده و فاقد اطلاعات مرتبط با اثر است. پس از گشودن کتاب اولین صفحه که حاوی عنوان، سال نشر و تصویری نقاشی شده، از برخی مشاغل آن دوران است به چشم می خورد. با تورق اثر، صفحه عنوان با این اطلاعات به چشم می خورد:

◀ ترجمه میرزا یوسف خان مستوفی

◀ از عربی بفارسی^۱

◀ تربیت نسوان

◀ مطبوعه معارف

◀ تبریز

◀ آعادة طبع موقوف به اجازه مترجم است

سخنی پیرامون مؤلف کتاب

قاسم امین (قاسم محمدامین) در سال ۱۸۶۳ م در شهر طره مصر متولد شد. تا مقطع لیسانس (در رشته حقوق) را در کشورش خواند و سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه مونپلیه فرانسه رفت. در خلال تحصیل در این کشور با جمال‌الدین (اسدآبادی) آشنا شد و پس از ارائه تز خود و اتمام تحصیلات به کشورش بازگشت. با وی از بنیان گذاران جنبش ملی در دانشگاه قاهره و یکی از پیشگامان جنبش آزادی زنان و به عبارتی رهبر این حرکت به شمار می‌آید. از تألیفات او با موضوع زن می‌توان به تحریرالمرأة یا آزادی زن، زن نوین و مصریون اشاره کرد. وی در سال ۱۹۰۸ م دار فانی را وداع گفت. وی بر این باور و عقیده بود که تربیت زنان پایه همه چیز و راه ایجاد یک جامعه

۱. به منظور رعایت امانت نحوه نگارش کلمات مطابق متن کتاب است.

سالم است. از این رو برای آموزش و تربیت زن مسلمان تلاش بسیار کرد، زیرا کسب دانش سواد را راه اصلاح جامعه می‌دانست. وی معتقد بود آموزش و تربیت زن به معنای خارج شدنش از دین نیست، لذا به خاطر نوع نگرشش به موضوع زنان و تعلیم و تعلم ایشان، شهرت بسیار یافت.

سخنی پیرامون مترجم:

یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک آشتیانی) نویسنده، ناشر، اسپرانتودان و مترجم شهیر در سال ۱۲۵۳ هـ ش در شهر تبریز به دنیا آمد وی تحت تربیت پدرش و معلمان خصوصی به فراگیری مقدمات علوم پرداخت. سپس ادبیات فارسی، عربی، فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت را به خوبی فرا گرفت و به زبان‌های ترکی استانبولی، فرانسه و عربی تسلط پیدا کرد.

ایشان یک دوره نماینده مجلس بودند و مدتی نیز ریاست کتابخانه مجلس شورای ملی را به عهده داشتند. اولین چاپخانه حروفی تبریز را دایر و در سال‌های ۱۲۸۹ و ۱۳۰۰ هـ ش مبادرت به انتشار مجله علمی - ادبی «بهار» کردند. ترجمه و تألیفات بسیاری از ایشان به جا مانده که از آن جمله می‌توان به ترجمه بینویان اثر ویکتور



یوسف اعتصامی
در سال ۱۳۱۶ هـ ش
درگذشت و در شهر
قم در جوار حرم
حضرت معصومه (س)
به خاک سپرده شد

هوگو (که با نام تیره‌بختان به چاپ رسید)، خدعه و عشق اثر شیلر شاعر آلمانی برگردان از ترجمه فرانسوی، سفینه غواصه اثر ژول ورن، سیاحتنامه فیثاغورث و ... اشاره کرد. همچنین فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی و قلائدالادب از تألیفات ایشان می‌باشد. یوسف اعتصامی در سال ۱۳۱۶ هـ ش درگذشت و در شهر قم در جوار حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. پروین اعتصامی که از او به عنوان پرآوازه ترین شاعره زن ایران یاد می‌شود فرزند این مرد بزرگ و بلندمرتبه می‌باشد.

شرح و معرفی فصول کتاب

عبارت «اعاده طبع موقوف به اجازه مترجم است» موضوع حق مؤلف را گوشزد می‌کند. کتاب دارای دو مقدمه است؛ مقدمه اول توسط مترجم نوشته شده و با نام خدا آغاز می‌شود، سپس پیرامون مقام علم و دانش مطالبی را بیان و با آوردن عبارت «دانایی و تربیت، حیات جاودانی و وسیله سعادت این جهان و آن جهان است» نظر خود را پیرامون اهمیت جایگاه دانش و تربیت طرح می‌نماید. مترجم در ادامه به آثار متعددی که در باب تعلیم و تعلم نسوان در اروپا و مصر منتشر شده اشاره کرده؛ عناوین برخی آثار مشهور آن زمان را ذکر و آن‌گاه علت ترجمه کتاب را با آوردن این عبارت بیان می‌کند: «چون در لغت پارسی کتابی که از محسنات و معایب اصلیه این مطلب مهم پرده بردارد نگاشته نشده بود این بنده ناچیز فصلی چند از کتاب «تحریرالمرآة» را ترجمه کردم و آن را تربیت نسوان نامیدم و بموقع انتشار گذاشتم.» مقدمه با این عبارت به پایان می‌رسد و مترجم در انتها نام و تاریخ ترجمه را ذکر می‌کند. یوسف آشتیانی ۲ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱۸.

مقدمه دوم با سرتیتر «مقدمه مؤلف» آغاز می‌شود و سپس این تیتیر به چشم می‌خورد. فاضل مصری گوید: ^۱ که در ادامه آنچه که مؤلف مصری به‌عنوان دلیل انتخاب این موضوع برای تألیف خود، در متن عربی آورده، توسط مترجم ترجمه و به خواننده ارائه می‌گردد. در بخشی از مقدمه مؤلف آمده است: «نهایت آرزویم این است که افکار دانشمندان را متوجه مطلبی مهم سازم که تاکنون کمتر کسی در آن باب رأی زده است، نه آنکه کتابی پردازم جامع و کامل، اگر منصفی خبیر، نیک در این کتاب ببندد، داند که من از آنان نیستم که شتابزده خواستار تحقیق آمال خویش باشم، چه تحویل نفوس به سوی کمال و ترویج شئون تربیت، از مشکلاتی است که بعجلت چشم استفاده در آن نتوان دوخت. مقدمه دوم بدون ذکر نام مؤلف و تاریخ نگارش آن به پایان می‌رسد و متن اصلی کتاب که در هشت فصل تنظیم گردیده آغاز می‌شود.

۱. نام مؤلف اثر در صفحه عنوان و صفحات آغازین کتاب ذکر نشده و مترجم در قسمت ملحقات به نام ایشان اشاره کرده است: قاسم امین.

آیا مسلمان تواند
که با اوامر محکمه
کتاب کریم مخالفت
آغاز کند؟

● **فصل اول:** «حساسیت زنان در هیئت اجتماعی بشریه»

در بخشی از فصل اول مؤلف به بیان ضرورت تغییر نگرش در ارزش و منزلت زنان جامعه می‌پردازد و دیدگاه خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«آیا مسلمان تواند که با اوامر محکمه کتاب کریم مخالفت آغاز کند؟ خدایتعالی تغییر را یکی از شرایط حیات قرار داده است. آیا عادت این نیست که ملتی در ادوار عمر و ضروب معاملات خویش، راهی پیش گیرند؟

هیچ مرد بخردی نتواند گفت که عادات تغییر نپذیرند، چه رسوم و عادات نتایج عقول بشوند که آن نیز باختلاف ازمنه تغییر همی پذیرد. فصل اول با این عبارت به پایان می‌رسد:

«هرگاه تربیت نسوان، موافق اصول دین قویم و قواعد محکمه ادب و شرایط حجاب مراعات شود، شاهد مقصود چهره نماید، آنهمه تلخی برود و روزگار چون شکر آید.»

● در ادامه **فصل دوم** آمده، با این عنوان: «تربیت زنان و ماهیت ایشان» نویسنده در

این فصل به ضرورت تعلیم زنان جامعه پرداخته و با بیان این عبارت که هنوز اغلب ساده‌لوحان راه گمان این است که تربیت زنان ضروری نیست، عجیب‌تر آنکه از یکدیگر سؤال کنند که آیا در شریعت اسلامی تعلیم نسوان جایز است یا نه؟ به نگرش جوامع انسانی عصر خویش پیرامون موضوع مورد بحث کتاب می‌پردازد.

در بخش دیگری از این فصل آمده است:

«زن، اگر خواندن و نوشتن تواند و از مقدمات علمیه و تواریخ ملل، بقدر مقدور مطلع باشد، صاحب رأی سلیم و فکر مستقیم گردد و خرافات مجعوله و افسانه‌ای موهوم در وی اثر نکند.»

● **فصل سوم** کتاب با این عنوان: «معایب جهالت نسوان» به بحث جهالت و نادانی زنان

که نیمی از جمعیت جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند می‌پردازد. نویسنده در بخشی از این فصل آورده است:

«نسوان محتاج به تعلیم‌اند، تا زادگان خود را تربیت دهند، و به‌وثیقه دین و پرهیزکاری متمسک شوند و از مفاسد بی‌بصیرتی خود را بکناری کشند و به‌صرفه و اقتصاد عمل کنند و انسانی صاحب اراده باشند.»

● **فصل چهارم** با عنوان «وجوب تعلیم و تعلم نسوان» ضرورت تربیت زنان و معایب

جهل بانوان پرداخته و تأثیرات مثبت باسوادی این جمعیت کثیر را در خانواده و جامعه

طفل، امانتی
نفیس را ماند که
آترا به پدر و مادر
بسپارند، قلب پاکش
گوهریست گران بها،
عاری از تمام نقوش
که شایسته قبول
همه اشکال است

به بحث می‌گذارد. نویسنده با بیان این عبارت که: «مصدر تمام معایب، مرض مسری جهل نسوان است که غنی و فقیر در این خصوص یکسان‌اند. دلیل اختلافات خانوادگی را جهل می‌داند و می‌نویسند:

«مرد پس از آنکه رفیق ایام حیات خود را جاهل دید و از پیرایه دانش عاطل یافت، از نیک و بد سخن نکند و حزن و سرور دردل پنهان سازد، و اینگونه هر دو به بدترین وجهی روزگار خود را سپری می‌کنند.» در ادامه به نکته ظریفی از باورهای دینی اشاره می‌کند و به نتیجه جالبی می‌رسد و آن اینکه: «در کتب مقدسه آمده که خدای تعالی خود را از ضلع حضرت آدم آفرید؛ در این سخن رمزی لطیف مندرج است و این معنی را اشعار همی کند که مرد و زن هیکل تام‌الاعضایی را تشکیل همی‌دهند که وجود آن به اتحاد ایشان منوط است و نیز اینکه زن را نصف مرد می‌نامند یعنی در جسد خلقت، مرد یک قسمت بی‌شمار می‌رود و زن قسمت دیگر را به‌وجود می‌آورد. مقصود آن که هیچ‌کدام از یکدیگر مستغنی نتوانند شد.»



طایفه نسون را
با اجبار و اکراه
نمی توان به تعلیم
و ادا کرد

● در فصل پنجم کتاب که با عنوان «در حدود تربیت و پرستاری اطفال» آمده، نویسنده از تربیت به عنوان فن نام می برد و آن را به سه دسته تقسیم می کند: ۱. طبیعت ۲. حوادث ایام و ۳...

تربیت که ما در خانه و معلم در دبستان این مهم را انجام می دهند در بخشی از این فصل نویسنده به نقل از غزالی می نویسد:

«طفل، امانتی نفیس را ماند که آنرا به پدر و مادر بسپارند، قلب پاکش گوهریست گران بها، عاری از تمام نقوش که شایسته قبول همه اشکال است، اگر نیکی و فضایل خصال معتادش کنند، پیروی کند و نیک بخت شود. اگر ماده شر و فساد را در خاطرش نهند و فهمش گذارند، مرغ بی پر و درخت بی ثمر شود و گناهش به آموزگار وارد آید.»

سپس مترجم در پانویس جمله ای از ژان ژاک روسو می آورد که مؤید اهمیت باسوادی مادران است:

«طفل بدخواه مادر تربیت می شود، اگر می خواهید از فضیلت و شرافت بهره برد، معنی فضیلت را بمادران بیاموزید.»

● فصل ششم عنوان «در عدم توافق تعلیم و تعلم با فساد اخلاق» را به خود اختصاص داده است. در این فصل از کتاب مؤلف به ردّ باور غلط «تعلیم و تربیت زنان موجب فساد ایشان شده و بانوان را از مسیر عصمت و عفت دور می کند» می پردازد. در قسمتی از فصل ششم نویسنده می نویسد:

«هیچ وقت نتوان گفت که تعلیم علت تباهی اخلاق می شود، چرا نباید گفت که علم آموختن دلیل تهذیب اخلاق و تقویت سایر احساسات ادبیه است؟»

● فصل هفتم با این عنوان «در ارتباط نسوان با امت» به مقایسه عصر نویسنده و دوران گذشته اختصاص دارد. در این قسمت نویسنده کشور خود (مصر) را با سال های دور مقایسه و اظهار می کند.

عنوان فصل «در ارتباط نسوان با امت» می باشد. در این فصل نویسنده مقایسه ای اجمالی میان کشورهای مختلف می کند و علت پیشرفت کشورهای غربی را رهایی آنان از بند جهل عنوان می نماید. در قسمتی از این فصل آمده است:

«هر ملتی که با جهالت خو گرفت و از ماهیت و کم و کیف وجود خود چیزی درک نکرد، در میدان مبارزه با همورد دانای خویش مقاومت کردن نتواند و بیک لحظه بچاهسار عدم سرنگون شود، اما ملتی که گریبان از چنگ اژدهای دمان

در این کتاب با تأکید بر ضرورت تعلیم و تربیت زنان معتقد است هدف، صرف سواد و آموزش خواندن و نوشتن نیست بلکه، بالا بردن قدرت درک عقلی ایشان است

جهل برهاند و پند و موعظت را کار بندد، رخسار جهان آرای نیکبختی در نظرش جلوه گر آید و در ساحت نبرد بر دشمن چیره شود.» نویسنده در ادامه به این مهم اشاره دارد که باید به زنان و تربیت آنان توجه ویژه و خاص شود، در غیر این صورت نباید انتظار تحول در جوامع داشته باشیم. در بخش دیگری از این فصل آمده است: «بارها گفته‌ام و باز تکرار می‌کنم، نسوان بزرگ‌ترین قوه خفیه هیئت اجتماعی‌اند. ترقی هر امتی محتاج قوای متنوعه مختلفه است که اهم آن، تربیت نسوان است.» و فصل با این جمله به پایان می‌رسد: «اصلاح حال امت منوط به تربیت زنان است.»

● عنوان فصل هشتم که آخرین فصل کتاب می‌باشد «در ازدواج و معایب تعدد زوجات» است. نویسنده در بخش انتهایی کتاب با تعریف و ستودن ازدواج پرداخته و با ذکر آیه «و من آیاته ان خلق لکم...»^۱ کلام وحی را فروغ ماه و هور خوانده و معتقد است در هیچیک از شریعت‌های مختلفی که در کشور ما وجود دارد برهانی مانند آنچه در این آیه اشاره شده نیامده است و در معنای آیه می‌نویسد:

«اتحاد و اتفاق معنوی دو شخص را ازدواج گویند، یعنی این دو تن متعهدند که تا نفس واپسین حیات با یکدیگر بسر برند.»

در ادامه به برخی از نتایج تعدد زوجات اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«از آیه مبارکه و انکحوا ما خاب...»^۲ واضح می‌شود در صورتی مرد می‌تواند پای به دایره تعدد زوجات نهد که توانایی به مساوات داشته و سلوک به عدل را از عهده برآید و هر که خود را مالک این قوه نبیند، البته نباید بیش از یکی را بحاله نکاح درآورد.»

مطلب نویسنده با موضوع طلاق و شرایط و نحوه آن در کشورهای مختلف به پایان می‌رسد. در بخشی از آن آمده است:

«طلاق ضربت تهدید و تازیانه تخویفی است که زن را پامثال اوامر و نواهی شوهر مجبور می‌دارد.»

متن مؤلف در اینجا به پایان می‌رسد و بخش انتهایی کتاب با عنوان «لاحقه علاوه مترجم» پیوستی است که توسط مترجم به رشته تحریر درآمده است. مترجم به نقد مطالب نویسنده می‌پردازد و با آوردن نقل قولی از یک نویسنده شهیر مصری بنام نجیب افندی که معتقد است:

۱. آیه ۲۱ سوره روم
۲. آیه ۳ سوره نساء

«طایفه نسوان را با اجبار و اکراه نمی توان به تعلیم وادار کرد.» می نویسد:
«تعلیم مدارس رجال یا نسوان تا با احتیاجات مهمه بلاد و امم موافق نباشد
سودمند نیفتند و جز سوء عاقبت ثمری نبخشند».

در ادامه این بخش است که مترجم به نام مؤلف اثر «قاسم امین» اشاره می کند و به
اظهار نظر یکی از ادیبان بنام «فرح انطوان» که در نشریه عربیه «جامعه عثمانیه» کتاب
«تحریر المرأة» را به بحث گذاشته می پردازد. فرح انطوان با بیان مطلبی از «ژول سیمون»
فیلسوف شهیرش فرانسه، نحوه رواج مدارس دختران در این کشور را مطرح و به عملکرد
دولت و مردم اشاره می کند و در انتهای مطلب خطاب به نویسنده اثر می نویسد:

«آنچه را که ژول سیمون در سنه ۱۸۹۰ نگاشته بود ایراد کردیم و از این روی
به سبب مؤلف به بحث گذاشته می پردازد. فرح انطوان با بیان مطلبی از ژول سیمون



فیلسوف شهیر فرانسه، نحوه رواج مدارس دختران در این گذشته را مطرح و به عملکرد دولت و مردم اشاره می‌کند و در انتهای مطلب خطاب به نویسنده اثر می‌نویسد: «آنچه را که ژول سیمون در سنه ۱۸۹۰ نگاشته بود ایراد کردیم و از این روی به ادیب مؤلف کتاب «تحریر المرأة» تقدیم نمودیم تا حضرتش از ممالک این کار شگرف باز نه‌ایستد.»

آخرین صفحه کتاب با تصحیح اشتباهات املایی متن اشاره شده است.

لازم به ذکر است مترجم در بیان مطالب کتاب هر کجا نیاز به اظهار نظر و یا ارائه مطالب بیشتر برای روشن شدن مطلب و تکمیل آن احساس کرده به صورت پانویس در همان صفحه آورده است.

نقدی بر کتاب تربیت نسوان

قاسم امین در این کتاب با تأکید بر ضرورت تعلیم و تربیت زنان معتقد است هدف، صرف سواد و آموزش خواندن و نوشتن نیست بلکه، بالا بردن قدرت درک عقلی ایشان است تا بتوانند از افکار باطل و اوهام دور شده، خرافه را از حقیقت تشخیص داده و زندگی بهتری برای خود و خانواده فراهم کنند. به نظر مؤلف این تغییرات بایستی به صورت تدریجی ایجاد گردد تا زنان به فعالیت‌های اجتماعی پرداخته و از گوشه عزلت خارج شوند. با توجه به عمق باورهای دینی در جامعه مصر آن زمان، نویسنده همواره به آیات قرآن و شریعت دین استناد می‌کند و بر همین اساس، آنچه زنان را از کسب دانش و حضور در فعالیت‌های عمومی منع می‌نماید مورد انتقاد قرار می‌دهد.

کشور مصر در آن دوران به‌طور کامل زیر سیطره استعماری اروپا بود به‌طوری‌که مؤلف در کتاب المصربون خود به میزان گسترش نفوذ اروپا و شیوه‌های چیرگی آن اشاره دارد، لذا منتقدان وی بر این عقیده اند که مطالب ارائه شده توسط ایشان متأثر از فرهنگ غرب بوده است.

نکته‌ای که در کتاب تربیت نسوان جلب توجه می‌کند مخاطب نوشته‌هاست که مردان می‌باشند و نه زنان، گویی مردان قیّم و سرپرست زنان هستند و خود ایشان هیچ نقشی در تغییر نگرش جامعه نسبت به خود ندارند.

مؤلف نام تألیف خود را تحریر المرأة (آزادی زنان) نام نهاده اما به نظر می‌رسد عنوانی که مترجم بر آن گذاشته (تربیت نسوان) اشاره دقیق‌تری به مطالب ارائه شده در متن دارد. البته نمی‌توان شرایط اجتماعی دوران مؤلف را که در آن زنان تنها در خدمت همسر و فرزندان بودند، سنت‌ها و باورهای عقب‌مانده انسانیت آن‌ها را نادیده می‌گرفت و هیچ نقشی در پیشرفت‌های اجتماعی نداشتند در انتخاب این عنوان از نظر دور داشت.